

تحلیل و بررسی محتوای نامه به امیر علیشیرنوبی در منشآت فارسی قاضی کمال الدین میبیدی

ابوالفضل مرادی (زستا)^۱

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۱

چکیده

یکی از ضرورت‌های مطالعه و تحقیق در باره شخصیت‌های بزرگ تاریخ و فرهنگ، شناسایی ارتباطات ایشان با دیگر شخصیت‌های ویژه تاریخ است. امیرعلیشیرنوبی شخصیت فرهیخته و فرزانه فرهنگی، علمی، ادبی، و سیاسی در شئون مختلف فرهنگ بشری در اقوام فارس و ترک تأثیر گذار بوده است. و برای شناختن درونمایه گفتمان امیر علیشیر لازم است نامه‌های و مکتوباتی که او با دیگر شخصیت‌ها داشته است و یا نامه‌هایی که دیگران برای او نوشته‌اند، شناسایی شده و مورد بحث و بررسی بیشتر قرار گیرد. در این پژوهش، بر آنیم تا با تحقیق در منشآت کمال الدین میبیدی و تحلیل محتوای آن به ارتباطات نوشتاری وی با امیر علیشیرنوبی بپردازیم. در منشآت میبیدی نوشته‌ای در پاسخ به نامه امیر علیشیرنوبی ثبت گردیده است؛ ضمن این که این نامه برای نخستین بار مورد بحث و بررسی قرار گرفته و به جامعه علمی و فرهنگی معرفی می‌گردد، یافته‌های نوین و تازه‌ای را در پی دارد. با توجه به جایگاه علمی و عرفانی کمال الدین میبیدی و با توجه به جامعیت امیر علیشیرنوبی این پژوهش می‌تواند نتایج ارزشمندی در شناسایی ابعاد کمتر شناخته شده شخصیت امیر علیشیرنوبی و همچنین آشکار گردیدن زوایای پنهان شخصیت او در پی داشته باشد.

واژه‌گان کلیدی: امیر علیشیرنوبی، قاضی کمال الدین میبیدی، منشآت فارسی

^۱. استادیار گروه زبان و بیات فارسی دانشگاه فرهنگیان a.moradirasta@cfu.ac.ir ؛ dr.amoradirasta@gmail.com

مقدمه

شکل‌گیری شخصیت‌های بزرگ علمی و فرهنگی و سیاسی تاریخ بشری با عوامل مختلف صورت می‌گیرد. در کنار استعداد شخصی و علم و دانش و مذاق و مشربی که شاکله هویتی آنان را تشکیل می‌دهد، بی‌شک شخصیت‌های گوناگون که با آنان در ارتباط هستند، از عوامل مهم تربیت و پرورش انسان‌های بزرگ تاریخ به شمار می‌رود. برای این که یک دانشمند و یا یک ابرمرد تاریخ بشری را بهتر بشناسیم، باید بدانیم که او با چه کسانی در ارتباط بوده و با چه افرادی مراوده، مکاتبه و مصاحبت و هم‌نشینی داشته است. امیر نظام‌الدین علیشیر نوایی دانشی مرد بزرگ تاریخ علم و فرهنگ جامعه اسلامی در قرن نهم و اوایل قرن دهم که اکنون موجب مباهات ملت‌ها و ملیت‌های گوناگون در بخش آسیای مرکزی و شبه قاره هند و ایران گشته است، از رجال تأثیرگذار در عرصه‌های گوناگون است. امیر نوایی، افزون بر این که مرزهای جغرافیایی را پشت سر گذاشته، قومیت و نژادها را نیز درنور دیده و اینک فرهنگ ترک و فارس و زبان‌ها و ملیت‌های مختلف، مرهون فرهیختگی و فرزاندگی این مرد بزرگ هستند. کسی که پیشینه فرهنگ اسلامی - آریایی را با ذوق و مشرب خویش در خمخانه نبوغ و استعداد بی‌مانندش در پیمان‌های تازه در خمسه به زبان ترکی آمیخته و به کام تشنگان فرهنگ و اندیشه فرو ریخته است. نوایی یک شاخص بزرگ علمی، فرهنگی است و شناخت هر چه بیشتر نسبت به او یعنی آگاهی به دقایق و ظرایف فرهنگ یک دوره خاص، و برای این که امیر نظام‌الدین علیشیر را بیشتر بشناسیم، شناخت مردان بزرگ علم و فرهنگ که با او مراوده و مکاتبه داشته‌اند، ضروری می‌نماید. در این پژوهش بر آنیم تا با جستجو در اوراق مکاتبات بزرگان تاریخ و بررسی منشآت قاضی کمال‌الدین میددی دریچه‌ای کوچک برای شناخت هر چه بیشتر زوایا و دقایق شخصیت نوایی بزرگ بگشاییم.

زندگی نامه امیر نوایی ادیب مسندنشین مصطبه علم و تاریخ و فرهنگ

نظام‌الدین علیشیر فرزند امیر کیچکنه در سال ۸۴۴ ق در هرات در باغ دولتخانه، نزدیکی پل تولکی چشم به جهان گشود. پدر وی از امیران و بزرگان دربار بود و به همین سبب امیر علیشیر در خانواده‌ای مجاور با خانواده‌های درباری نشو و نما یافت. با سلطان حسین بایقرا، برادر رضاعی بود و هر دو در یک مکتب با هم درس می‌خواندند و مصاحب و هم‌نشین میرزا ابوالقاسم بابر بود (خواندمیر ۱۳۷۸: ۱۳۷).

امیر نوایی در تمامی عمر درخشان خویش به عنوان یک شخصیت علمی، مدارج دیرباب کسب علم و دانش را گام به گام پشت سر گذاشته و در جایگاه یک دانشمند و محقق، آثار بزرگی را در عرصه علم از خود به جای گذاشته است. افزون بر آن، وی با نبوغ و استعداد شعری و پرورش قریحه شاعری و خوشنویسی و نقاشی توانسته است بر بام هنر و ادبیات بر مسند دلبری بنشیند و در شعر فارسی و ترکی دیوان‌ها و آثار ارزشمندی را به شیدایان عرصه شعر و ادب هدیه کند. از سوی دیگر، تاریخ سیاسی و اجتماعی نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم در هر صفحه، نام درخشان امیر علیشیر نوایی را بر تارک خود دارد. روز یکشنبه یازدهم جمادی الثانی سال ۹۰۶ ق وقتی نوایی چشم از جهان فرو بست، علم و فرهنگ و ادبیات و سیاست، گویی عماد و استوانه بزرگی را از دست داد (شگفته، ۱۳۸۴؛ واحدی جوزجانی، ۱۳۴۶: ۷۰).

امیر علیشیر نوایی در یزد

در شش سالگی یا هشت سالگی و بعد از وفات شاهرخ میرزا و پس از سال ۸۵۰ ق به علت حوادث سخت و نامعلوم و یا جور و جفای ابوسعید میرزا و درگیری‌های شاهزادگان شاهرخ، پدر امیر علیشیر مجبور شد به همراه فرزندان و نزدیکانش به عراق عجم و به خصوص تفت و یزد مهاجرت کند در همین جا بود که به خدمت شرف الدین علی یزدی مورخ و دانشمند معروف رسید و مورد تفقد او قرار گرفت:

«در ویرانی شاهرخ میرزا والد فقیر با جماعت کثیر از فتنه روزگار و حوادث گریخته جانب عراق می‌رفتند؛ به تفت مولد مولانا رسیدند؛ اتفاقاً منزل، نزدیک خانقاه مولانا واقع شده چنانکه لعب داب اطفال است، جمیع کودکان جهت بازی بدان خانقاه رفتند. فقیر هم بدیشان همراه بود؛ تخمیناً

شش ساله بودم. مولانا بر یک رجه نشسته بود و جهت آن که کیفیت حال جماعت که فرود آمده‌اند، معلوم کند، یکی از اطفال را طلبیده فقیر متوجه ملازمت شدم و هرچند سوال کرد، جواب معقول افتاد... تبسم نموده تحسین فرمود. دیگر پرسید که به مکتب رفته‌ای؟ گفتم: بلی! رفته‌ام. گفت: به کجا رسیده‌ای؟ گفتم: به سوره تبارک رسیده‌ام. از برای فقیر فاتحه خواند؛ چون فارغ شد، والد فقیر با کلانتران آنجا به خدمت مولانا آمده نیازمندی به جای آورد (امیرعلیشیر، ۱۳۲۳: ۲۵؛ امیرعلیشیر، ۱۳۲۷: ۴؛ واحدی، ۱۳۴۶: ۷۱-۷۲).

مجالس النفایس که تذکره شاعران است با آن که میبدی از شاعران این دوره به حساب می‌آید، امیرنویایی نویسنده آن، نامی از وی نبرده است. (نویایی، ۱۳۲۳) و از سوی دیگر در منشآت فارسی امیرعلیشیر نویایی که در ایران برای نخستین بار به چاپ رسیده است نیز نامه‌ای از امیر نویایی برای قاضی کمال‌الدین میبدی موجود نیست (نویایی، ۱۳۹۴) (امیرعلیشیر نویایی، ۱۳۴۵ ص ۹۳).

زندگی کمال الدین میبدی

«قاضی میر حسین پسر معین الدین حسین ترمذی میبدی متخلص به منطقی معروف به قاضی میبدی از حکیمان نامی قرن نهم هجری است. وی که یکی از مشهورترین شاگردان علامه دوانی می‌باشد، در جوانی به شیراز رفت و به کسب دانش پرداخت. پس از پایان تحصیلات به زادگاه خود میبد نزدیک یزد بازگشت و در آنجا منصب قضاوت یافت و سپس قاضی یزد شد و تصدی اوقاف آن شهر را نیز بر عهده داشت. سرانجام در سال ۹۰۹ هجری شاه اسماعیل صفوی به علت اختلاف عقیده دینی او را کشت» (حقیقت، ۱۳۸۹: ۴۰۸).

نام‌ها و عنوان‌های موجود در منشآت میبدی در بردارنده اقشار و سمت‌های مختلف در سطح کلان جامعه ایران آن روز است؛ از سلطان ابراهیم بن سلطان پالمیر، محمداشاه، شرف الدین محمود دیلمی، قاضی امام الدین شیخ علی، نور الدین عبدالرحمان جامی، محمد قوأس و دیگر نام‌هایی که برخی از آنان نیز چندان شناخته شده نیستند. همه این‌ها نشان می‌دهد که صاحب منشآت با تمامی شخصیت‌های بزرگ علمی، سیاسی، عرفانی با درجات و طبقات و نحله‌ها و روش‌های گوناگون در ارتباط بوده است و شخصیتی مورد اقبال و پذیرفته شده می‌باشد. (فرورهر، ۱۳۷۴: ۲۳). مذهب قاضی میبدی از اهل سنت و جماعت و بر مذهب شافعی است (لاهیجی، ۱۳۸۷: ۳۳۴).

از نوع قلم او بر آنچه که در شرح دیوان منسوب به امام علی (ع) نوشته است و بویژه در مقدمه مبسوط آن کتاب، قابل مشاهده است، مذاق و مشرب عرفانی و صوفیانه وی است. این مقدمه چنان به شهرت رسیده است که به طور مستقل با نام «فواتح» در بین اهل علم و فرهنگ دست به دست می‌شده است. «قاضی میبدی علاوه بر تسلط در نثر فارسی و عربی شاعر نیز بوده است، معروف ترین تألیف او شرحی است که بر دیوان امام علی بن ابی طالب (ع) نوشته و به شرح دیوان حضرت امیر معروف است و در ماه صفر سال ۸۹۰ هجری به پایان رسانده است و دیباچه مفصلی به مذاق صوفیه بر آن نوشته که گاهی آن را جداگانه نوشته و آن را به نام فواتح نامیده‌اند. در برخی از تذکره‌ها نیز او را به عنوان یک شخصیت عرفانی، ثبت نموده‌اند (سعادت پرور، ۱۳۸۸: ۱۰/۲۹۸).

دیگر آثار او عبارتند از: «آداب البحث»، جام گیتی نما (مختصر مقاصد حکمت فلاسفه عرب) به فارسی، حاشیه بر شرح ملخص چغمینی، حاشیه بر طوابع (در کلام)، حاشیه تحریر اقلیدس خواجه نصیر الدین طوسی، دیوان شعر، دیوان، معنیات، شرح حدیث العسکری، شرح شمسیه (فی المنطق)، شرح کافی ابن حاجب، شرح کلمه العین، شرح گلشن راز، شرح هدایه الحکمه للابهری (شرح هدایه میبدی) منشآت» (مرکز پژوهش دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی، ۱۳۸۹: ۴/۴۹۸).

منشآت فارسی میبدی تنها شرح حال و یگانه آئینه زندگانی نویسنده آن

قاضی کمال الدین میبیدی با آنکه از رجال علمی و اجتماعی و سیاسی برتر عصر خویش بود و آثار مهم و اثرگذاری در فرهنگ اسلامی-ایرانی از وی به جای مانده است، اما شرح حال زندگانی وی آنچنان که باید برای اهل تحقیق، روشن و آشکار نیست. اصلی‌ترین منبعی که می‌تواند تا حد ممکن، تصویرگر فراز و نشیب زندگانی و علائق و دقائق شخصیت وی باشد، همان منشآت اوست. در جای جای منشآت، وقتی میبیدی از حال خویش سخن گفته است و از مشکلات زندگانی و یا درخواست‌هایی که از کسانی کرده است و یا آنجا که آمل، آرزوها و ارزش‌های نظری و شیوه‌نامه زندگانی عملی خویش را در قضاوت و منصب قضا بیان می‌کند، به خوبی می‌تواند زندگانی میبیدی را برای ما آشکار سازد. یکی از بخش مهم منشآت میبیدی، مرادوات و مکاتبات او با شخصیت‌های بزرگ معاصر خویش است. ما می‌توانیم با بررسی دقیق این نامه‌ها به هریک از شخصیت به بخشی از حالات درونی و اوضاع برونی زندگانی میبیدی پی ببریم؛ چیزی که در این مقال نمی‌گنجد و نیازمند نوشته‌ای مجزا در این زمینه است.

سفر میبیدی به شیراز

در منشآت یاریگر محققان در شناسایی زندگی میبیدی است، سخن از سفرهای وی به میان نیامده است؛ اما می‌دانیم که «در شیراز در محفل درس جلال الدین محمد دوانی (۹۰۸ق) که از چهره‌های شاخص مکتب شیراز در نیمه دوم قرن نهم بود، شاگردی کرد... یزد در دوران شاهرخ تیموری سومین و درخشان‌ترین عصر رونق عمرانی و فرهنگی خود را تجربه می‌کرد» (فیاض، ۱۳۸۹: ۹۵).

زمینه آشنایی میبیدی و امیر علیشیر نوایی

این که میبیدی به چه واسطه‌ای با امیر علیشیر نوایی آشنایی داشته است؟ یکی از پرسش‌های اصلی این مقاله است. این که امیر علیشیر نوایی در ایام طفولیت در یزد حضور داشته است، امری قطعی و از نظر تاریخی، مستند است. بنابر این، نخستین پاسخی که به ذهن متبادر می‌شود، این است که در ایامی که امیر نوایی در طفولیت همراه پدر هرچند کوتاه اقامتی در منطقه یزد داشته است، با قاضی میبیدی برخوردی داشته است. بسیار محتمل است که ایام قاضی میبیدی که در سال ۹۰۹ که به فرمان شاه اسماعیل به قتل رسیده است، در زمان کودکی نوایی و حضورش در یزد، شیخی نام آشنا بوده است؛ یعنی در حدود سال‌های آغازین دهه شصت از قرن نهم که نوایی در یزد بوده است، قاضی میبیدی جوانی بوده است و احتمال دارد که در هریک از نشست‌هایی که پدر نوایی با رجال سیاسی و یا علمی یزد داشته است، مقدمات دیدار این دو فراهم گشته باشد.

پاسخ دیگر به این پرسش آن است که شاید میبیدی که از رجال نام‌آشنای سیاسی اجتماعی آن دوره محسوب می‌شود، بنابر ضرورتی به هرات و خراسان سفری داشته است و این مقدمات آشنایی این دو را فراهم کرده است.

نکته جالبی در این نامه وجود دارد که احتمال دیگری را در پاسخ به این پرسش بر می‌انگیزد. میبیدی در سروده‌های عربی از مصراع استفاده می‌کند به این شرح

«و عشق الاذن قبل العین حقاً»

این مصراع در بردارنده یک مثل عربی است که بین شاعران بسیار مورد استفاده قرار گرفته است و آن این است که گوش قبل از چشم عاشق و شیفته می‌گردد؛ شاید این مضمون نخستین بار از بشار بن برد به جای مانده است:

«یا قوم أذنی لبعض الحی عاشقة و الاذن تعشق قبل العین احیاناً»

این می تواند بیانگر این باشد که شاید تا زمان نوشتن نامه دیداری بین میبدی و امیر نوایی حاصل نشده است و هرآنچه از ارادت و محبت و شیفتگی که بین این دو شخصیت بویژه از سوی میبدی حاصل شده است، نتیجه شنیده‌هایی است که او در خصوص وی داشته است (ابن رشیق قیروانی، ۱۴۲۰ق: ۹۹۶/۲).

رویه و مرام میبدی در قضاوت

از وجوه مهم شخصیت میبدی این است که در منصب قضاوت، توانسته است شخصیتی پاک و منزّه از شائبه‌های دنیوی از خویشتن نشان دهد و این بعد را هم خود در منشآت اشاره می کند و هم به شهادت تاریخ «از قضات شرافتمند ایران که در دوران دادرسی و قضاء دامن آلوده نکرده و تن به پستی و حق کشی نداده است» (راوندی، ۱۳۸۶ق: ۱۳۲۸/۴).

میبدی یکی از مؤلفان حکمت الهی

همچنان که در عنوان آثار میبدی مشاهده می شود، وی در موضوعات حکمت و آرای فلسفی فلاسفه عرب و در حوزه کلام و منطق و ادبیات و نحو، تبهر کافی داشته است. و با شرح دیوان منسوب به حضرت علی (ع) و شرح گلشن راز به جای مانده او در زمره نویسندگان طراز اول حوزه عرفان و حکمت الهی به حساب می آید و نام وی در عداد این دانشمندان به ثبت رسیده است (نورانی، ۱۳۸۵: ۵۹).

متن نامه قاضی کمال الدین میبدی به امیر علیشیر نوایی

نامه شماره ۴۳

خطاب به امیرعلیشیر

أری درراً اساوها بروحی
ریاضاً جارها صوب المعالی
اللذ من اتبناه الجدد عندی
و أریب ضعفه لو اردت سوما
تود خلالها الافکار سوما
ومن جفن الرقیب يحاط نوما

نامه جان پرور که از خامه فیض گستر خدام مشتری احترام سلطان فقرا، برهان امرا، زبده عناصر و افلاک، عمده ارباب ادراک، آیینة حقایق و معارف، گنجینه دقایق و لطایف مشکات مصباح حقیقت مرقات اعلام حقیق، بانی مبانی خیر و احسان، متمم کمالات نوع انسان، مروج بازار ایالت، مهیج آثار عدالت، کعبه ارباب صفا، قبله اصحاب وفا:

حامی حریم الملک من عزماته
راعی زمام الفضل اعلى کعبه
جَم المآثر حیث سار رکابه
بحر المعانی و الحقایق عنده
والدور جاف و الزمان حزون
نشر الجناح الطائر المیمون
سیر لها عمّا سواه تصون
سیر لها عمّا سواه تصون

کسی که از حریم ملک و پادشاهی حمایت می‌کند، همانند قلعه‌هایی که در آن‌ها پستی و زشتی راه ندارد.

امیر کامل دریا دل شجاع دلیر، نظام الحقیقه و الطریقه و الدین علی شیر» ابد الله تعالی رواشح عواطفه علی البرایا، و خلد سوانح عوارفه علی الرعايا صادر شده به احسن وجوه جلوه نمود. و از ورود نسایم اعطاف که در معاطف آن اندراج داشت آتش محبت قدیم اشتعال یافت و نور سرور در بزم حضور بر در و دیوار دل محت منزل یافت. نفس ناطقه در قفس تن مانند قمری مترنم شد و به شرح شوق از روی ذوق متکلم گشت:

بطرح ذکره قوماً فقوما	بظهر القلب یطر به لسانی
الی واد رعین هناک دوما	احن صبابه کالنیب حنت
و ها أنا لاأروم سواک یوما	و عشق الاذن قبل العین حق
وجدت القلب حولک حام حوما	فهز معاطفی ذکراک حتی

امید که این سوخته آتش حرمان از حلقه اهل عرفان به داغ نسیان موسوم نماند و به التفات خاطر فیاض و اهتمام نفس مرتاض مایه مباهات به عرش مجید رساند:

تقدّمی نبود صورت و هیولی را	همیشه تا ز ره علم بر عقول و نفوس
که اقتدا به تو باشد عقول اولی را	تورا شرایط تقدیم جمع باد چنان
پایان	

بحث و بررسی در یافته های پژوهش

نامه موجود در پاسخ با نامه امیر علیشیر نوایی

آنچه به عنوان نامه به امیرعلیشیر نوایی در منشآت کمال الدین میبیدی موجود است، نوشته‌ای است که میبیدی در پاسخ به نامه نوایی نوشته است. به نظر می‌رسد شناخت از این سند زمانی کامل می‌شود که بدانیم محتوای نامه ارسالی از سوی نوایی چه بوده است. برای این منظور، چاره‌ای نیست جز این که نامه‌های فارسی نوایی مورد تحقیق قرار بگیرد. با بررسی کتاب منشآت فارسی امیر علیشیر نوایی که اکنون در دسترس است، نامه‌ای با عنوان کمال الدین میبیدی در بین این نامه‌ها دیده نشد. البته این مقوله دور از ذهن و امر بعیدی نمی‌نماید؛ چرا که آنچه به عنوان نامه‌های فارسی نوایی به چاپ رسیده است، فقط بخش بسیار اندک و ناچیزی از نامه‌های نوایی است که در دسترس بوده است (نوایی، ۱۳۹۴).

شادمانی و انبساط خاطر کمال الدین میبیدی از دریافت نامه امیر نوایی:

آغاز نامه میبیدی به سنت نویسندگان نامه‌هایی از این دست، بیان شادمانی و انبساط خاطری است که از دریافت نامه برای وی حاصل شده است. در بیت عربی آغاز نامه خبر از دریافت نسیم خوشبویی است که با روح و جان و روان شاعر دریافت می‌شود و آغاز بخش فارسی این نامه نیز، نامه‌ای که از سوی نوایی به دست میبیدی رسیده، نامه جان پرور توصیف شده است.

صفات و ستایش امیر علیشیر نوایی از خامه ادیبانه کمال الدین قاضی میبیدی

آنچه در این نامه نسبت به امیر نوایی آمده است نیز جالب است؛ توصیفاتى که از سوی کمال‌الدین میبیدی از امیر علیشیر شده است در بردارنده صفاتی است که در دسته‌بندی‌های مختلف می‌گنجد:

صفاتى که نشان از جایگاه علمی و فرهیختگی و دانش ممدوح حکایت دارد؛ همچون عمده ارباب ادراک، آینه حقایق و معارف، گنجینه دقایق و لطایف.

آنچه که بیانگر جایگاه عرفانی و طریقتی ممدوح است؛ خدام مشتری احترام، سلطان فقرا، مشکات مصباح حقیقت، مرقات اعلام طریقت، کعبه ارباب صفا، قبله اصحاب وفا.

آنچه بیانگر جایگاه اجتماعی و سیاسی نوایی است؛ همچون: برهان امرا، بانی مبنای خیر و احسان، مهیج آثار عدالت، مروج بازار ایالت و غیره (میبیدی، ۱۳۷۶ش: ۱۰۶).

ادبیات ظهیر الدین فاریابی در نامه میبیدی به امیر نوایی

سرانجام نامه میبیدی به دو بیت ختم می‌شود که از سروده‌های ظهیر الدین فاریابی است. در نخستین قصیده از قصاید دیوان ظهیر، این ابیات موجود است. در حقیقت این دو بیت، شریقه قصیده‌ای است که در بردارنده دعا و خیرخواهی ممدوح برای ممدوح است که با شرطی آورده می‌شود. که در اینجا نیز همیشه تا صورت و هیولا بر عقول و نفوس تقدم و برتری ندارند؛ یعنی همواره روزگار تو چنان در اوج اقتدار و برتری باشی که عقول کامل نیز از تو پیروی نمایند.

اما نکته جالب تر این است که این قصیده اساساً در هجران از ممدوح سروده شده است و ابیات این چکامه، سراسر شور و اشتیاق شاعر است برای دیدن معشوق و محبوب. انتخاب این ابیات از این قصیده نشان از ارادت قلبی میبیدی به امیر علیشیر نوایی و از سوی دیگر بیانگر تسلط و آگاهی نویسنده نامه به زوایای دیرپاد ادب فارسی است (ظهیر الدین فاریابی، ۱۳۸۱: ۲۸). مطلع قصیده چنین است:

مگر به حله بینم جمال سلمی را
بسی خطر نبود نیز عهد قربی را

سفر گزیدم و بشکست عهد قربی را
بلی چو بشکنند از هجر اقربا را دل

محورهای اصلی نامه میبیدی به امیر علیشیر نوایی

به طور کلی در نامه‌ای که میبیدی برای امیر علیشیر نوایی نوشته است و بنابر تحقیقات فعلی تنها نامه موجود از میبیدی برای امیر علیشیر نوایی به حساب می‌آید، محورهای زیر وجود دارد:

- این نامه در پاسخ به نامه‌ای که امیر علیشیر برای میبیدی نوشته، نگاشته شده است.
- میبیدی از دریافت نامه امیر علیشیر ابراز شغف و شادمانی می‌نماید.
- ابیات عربی موجود در این نامه از سروده‌های خود میبیدی است و نشان از توانایی و فضل والای شاعر در شعر عرب دارد.
- نثر نامه، آمیخته با نظم و یکی از متون زیبایی منشآت در نوع خویش به شمار می‌رود و در بردارنده آرایه‌ها و صنایع ادبی زیباست.
- میبیدی، ابراز نگرانی کرده است که مورد فراموشی و نسیان امیر علیشیر نوایی قرار گیرد و در نتیجه از لطف و عنایت وی بی‌بهره ماند.
- این نامه در خواست ویژه و یا یک تقاضای مادی و معنوی خاصی را در بر ندارد.

- متن نام بیانگر رابطه بسیار صمیمی و محبت آمیز بویژه ارادت قلبی قاضی میبدی به امیر علیشیر نوایی است.

مرتبطین با امیر علیشیر نوایی در منشآت میبدی

در منشآت میبدی شخصیت های متعددی به عنوان مخاطب مورد توجه بوده اند. از موارد مهم شایسته پژوهش برای درک درست تر از میزان و چگونگی ارتباط میبدی با نوایی این است که می بینیم شخصیت های علمی، فرهنگی، سیاسی که در اطراف امیر علیشیر حضور داشتند و ارتباط نوایی با ایشان بنابر اسناد تاریخی مسلم و قطعی است، در شبکه ارتباطی منشآت میبدی حضور دارند؛ از جمله این مشاهیر نور الدین عبدالرحمن جامی است. در منشآت فارسی نامه ای خطاب به شاعر و عارف بزرگ جامی وجود دارد و همچنین خواجه نظام الدین شیخ احمد سهیلی مهرداد سلطان حسین باقرا از رجال دیوانی و درباری سلطان حسین است. و از مصاحبان و دوستان امیر علیشیر قلمداد می گردد. در نامه شماره ۲۳ از او خواسته شده است تا در چالشی که بین امیر محلی یزد با میبدی پیش آمده است، وساطت کند. از رجال دیگر که در دربار از افراد ذی نفوذ بوده است، قاضی عیسی است که در نامه شماره ۹ حکم قضاوت را برای میبدی صادر کرده است (فروهر، ۱۳۷۴: ۲۳).

دسترسی به نسخه ای متقدم در بررسی این نامه

ضمن تحقیق و بررسی در نامه میبدی به امیر نوایی، یکی از نسخه های خطی منشآت قاضی کمال الدین میرحسین میبدی نیز، مورد شناسایی و در این مقاله به عنوان پایه و اساس تحقیق قرار گرفت. این نسخه که به شماره ۹۰۸۵۹ در قفسه کتابدان به شماره ۱۵۳۳۰ در گنجینه کتاب های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی تهران، نگهداری می شود. ضمیمه ای از چند کتاب و رساله است که با هم صحافی گردیده است و هر یک از این رساله ها و کتاب ها دارای تاریخ کتابت مجزایی است. در صفحه ۷۶ نسخه، منشآت میبدی آغاز می گردد. عنوان کتاب در اینجا به شرح زیر است عنوان مطلب قاضی میرحسین یزدی و در نسخه آمده است «تتمه من منشآت قاضی میرحسین یزدی علیه الرحمه تیمناً بذكره؛ ای کبوتر که پری روزی به برج آن پری...» تاریخ کتابت آن دقیقاً در دهم ذی القعدة سال ۹۳۰ هجری بوده است و این نسخه در تصحیح و تحقیق منشآت میبدی که به چاپ رسیده، مورد استفاده قرار نگرفته است با این که از نظر قدمت، اقدم نسخه های موجود از منشآت فارسی قاضی میبدی محسوب می گردد. مشخصات این نسخه، در جلد ۴۳ فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی معرفی گردیده است (حسینی اشکوری، ۱۳۸۹: ۲۶).

نتیجه گیری

در نتیجه پژوهش و تحقیق حاضر، یافته ها و نتایجی به دست آمد که به شرح زیر است:

الف- در این پژوهش روشن شد که امیر علیشیر نوایی در مکاتبات و مراودات خویش با قاضی کمال الدین میبدی در یزد مکاتبه داشته است؛ اگرچه اصل نامه امیر نوایی در دست نیست؛ اما تحقیق حاضر، وجود چنین نامه ای را به اثبات می رساند.

ب- در این پژوهش مشخص گردید که قاضی کمال الدین میبدی نامه ای برای امیر علیشیر نوایی نگاشته است و این نامه در منشآت فارسی چاپ شده از وی و در نسخه های خطی مربوط به آن موجود است.

پ- این مقاله نشان می دهد که نامه موجود در منشآت فارسی کمال الدین میبدی تنها نامه در دسترس و باقیمانده از نامه های میبدی برای نوایی است.

ت- در تحقیق حاضر تا حد ممکن متن نامه میبدی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت و این نامه، نشانگر لطف و ارادت و محبت و صمیمیتی است که بین نویسنده نامه و امیر نوایی برقرار بوده است.

ث- در نتیجه این تحقیق مشخص گردید که در منشآت فارسی موجود از امیر علیشیر نوایی که به چاپ رسیده است، هیچ نامه ای برای قاضی کمال الدین میبدی وجود ندارد.

ج- در نتیجه این پژوهش مشخص گردید که یکی از نسخه‌های منشآت فارسی میبیدی که قدیم‌ترین نسخه‌های این اثر گرانقدر است در تحقیق و پژوهش موجود از میبیدی مورد استفاده قرار نگرفته است و مغفول مانده است.

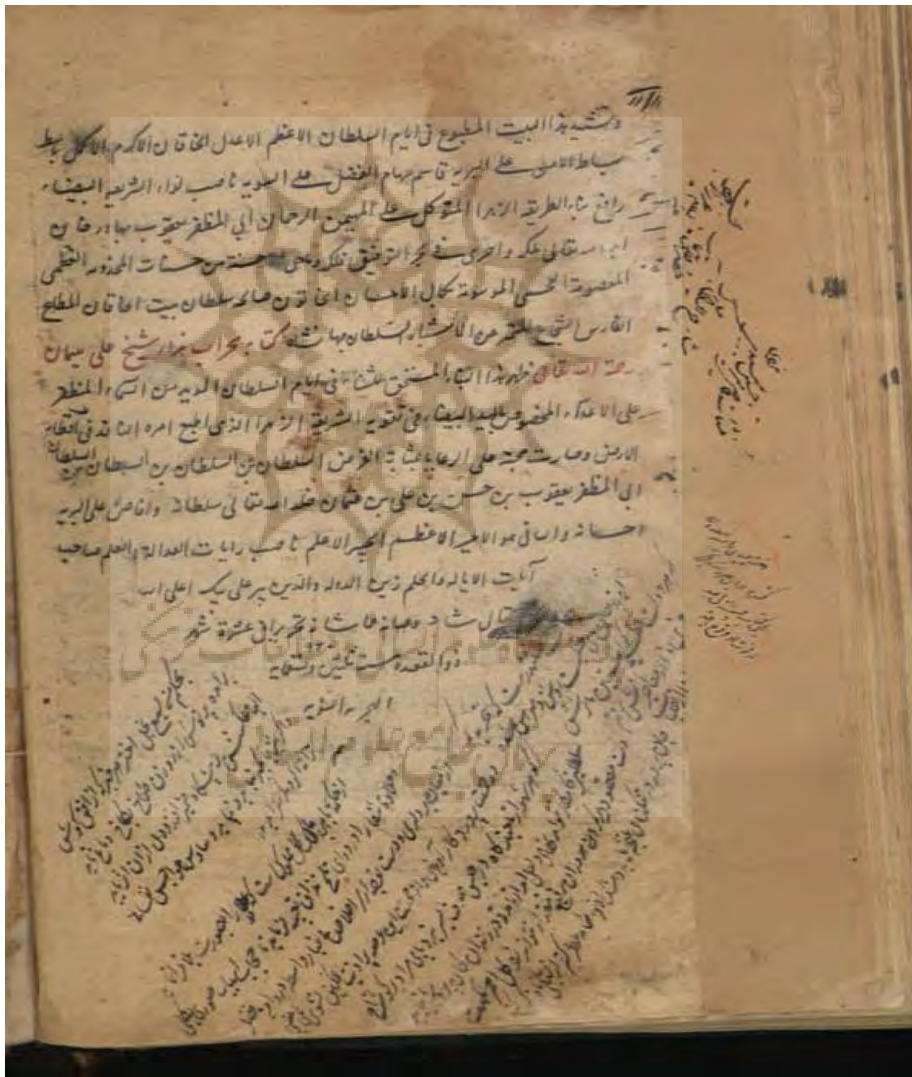
در خاتمه شایان توجه است این پژوهش افتخار این را دارد که دریچه‌ای تازه به وجود ارتباط کتبی بین امیر نویسی و قاضی کمال الدین میبیدی بگشاید. موضوعی که تحقیق در آن در آغاز راه است و تلاش و همت محققان را در تحقیق بیشتر و پاسخ دادن به پرسش‌های بی شمار در این زمینه فرا می‌خواند.



منابع و مآخذ

- ابن رشیق قیروانی، حسن (۱۴۲۰ق). *العمدة فی صناعة الشعر والادب*، شعلان نبوی عبدالواحد. قاهره: انتشارات مکتبه الخانجی.
- اشکوری، محمد بن علی (۱۳۸۰). *محبوب القلوب. علی اوجبی*. احمد اردکانی. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و انتشارات اسلامی.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیر (۱۳۴۵). امیر علیشیر نوایی. *مجله آریانا*.
- حسینی اشکوری، سید صادق (۱۳۸۹). *فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی جلد ۴۳*، تهران: انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- حقیقت، عبدالرفیع (۱۳۸۹). *دانشمندان ایرانی از کهن ترین زمان تاریخ تا پایان دوره قاجار*. تهران: انتشارات کومش.
- خواندمیر، غیاث الدین بن همام الدین (۱۳۷۸). *مکارم الاخلاق*. محمد اکبر عشیق. تهران: انتشارات میراث مکتوب.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۶). *تاریخ اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات نگاه.
- سعادت پرور، علی (۱۳۸۸). *پاسداران حریم عشق*. ده جلد. تهران: انتشارات احیاء کتاب.
- شگفته، صغری بانو (۱۳۸۴). *شرح احوال و آثار فارسی امیر علیشیر نوایی*، اسلام آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ظهیر الدین فاریابی (۱۳۸۱). *دیوان اشعار*، امیر حسن یزدگردی علی اصغر دادبه، تهران: انتشارات قطره.
- فانی زنوزی، محمد حسن بن عبدالرسول (۱۳۹۰). *ریاض الحجه*. علی صدراپی خوبی علی رفیعی. قم: انتشارات کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
- فروهر، نصرت الله (۱۳۷۴). مقدمه مصحح، میدی، کمال الدین حسین. *منشآت میدی*، تهران: انتشارات میراث مکتوب. ۳۰-۱۲.
- فیاض انوش، ابوالحسن (۱۳۸۹). *میر حسین میدی مقتول ۹۱۱ هجری قمری یک بازشناسی تاریخی*، پژوهش های تاریخی. ۹۳-۱۱۶.
- لاهیجی، حسن بن عبدالرزاق (۱۳۸۷). *شمع الیقین و آیینه دین*، جعفر سعیدی، تهران: انتشارات سایه.
- مرکز پژوهش دایرة المعارف علوم عقلی اسلامی (۱۳۸۹). *فرهنگ اعلام علوم عقلی اسلامی*، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- میددی، حسین بن معین الدین (۱۳۷۶). *منشآت میدی*، نصرت الله فروهر. تهران: انتشارات مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- نوایی، علیشیر (۱۳۹۴). *منشآت فارسی*، منیره محمد دادی. تهران: انتشارات تک درخت.
- نوایی، نظام الدین علیشیر (۱۳۲۳). *مجالس النفایس ترجمه از ترکی توسط فخری هراتی و حکیم شاه قزوینی*، علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات بانک ملی.

صفحه پایانی نسخه منشآت فارسی کمال الدین قاضی میبیدی در گنجینه نسخه های خطی مجلس شورای اسلامی تهران به شماره ۹۰۸۵۹



Analysis of the content of the letter to Amir Ali Shir Navai in Persian Monshaat of Ghazi Kamaluddin Meybodi

Abstract

One of the necessities of studying and researching the great personalities of history and culture is to identify their connections with other special personalities of history. Amir Alishir Navai has been an educated and wise cultural, scientific, literary, and political figure in various aspects of human culture in the Persian and Turkish tribes. And in order to know the theme of Amir Alishir's discourse, it is necessary to identify and discuss the letters and correspondence that he had with other characters or the letters that others wrote to him. In this research, we intend to investigate Kamal-ud-Din Meybodi's sources and analyze its content to his written communication with Amir Alishir Navai. In Meybodi Manshat, a text has been recorded in response to Amir Alishir Navai's letter; While this letter is discussed for the first time and introduced to the scientific and cultural community, it brings new and fresh findings. Considering the scientific and mystical position of Kamaluddin Meybodi and considering the comprehensiveness of Amir Alishir Navai, this research can have valuable results in identifying the lesser known dimensions of Amir Alishir Navai's personality and also revealing the hidden angles of his personality.

Keywords: Amir Ali Shir Navai, Judge Kamaluddin Meybodi, Persian origin

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی